



بخشش قاتل، ۸سال پس از جنایت

مردی که در جریان درگیری با همسایه‌اش او را به قتل رسانده بود، ۸سال پس از جنایت از سوی اولیای دم بخشیده شد. این درگیری مرگبار سال ۹۵ در یکی از روستاهای خلخال اتفاق افتاده و این مرد به اتهام قتل به قصاص محکوم شده بود. با وجود قطعی شدن این رای اما اولیای دم قاتل را به حرمت ایام قاطمیه بخشیدند.

یکشنبه ۱۱ آذر ۱۴۰۳ - شماره ۹۶۶۹

همشهری

صفحه ۱ از علیرضا باهری

داخلی

ماجرای یک فریب دیش



محاکمه متهمان پرونده فساد جای دیش همچنان ادامه دارد و در پنجمین جلسه محاکمه ابعاد تازه‌ای از فساد این شرکت برملا شد. براساس محتویات پرونده، این شرکت با دریافت ارز دولتی به جای واردات جای هندی جای کنیایی که نامرغوب و ارزان است وارد می کرد.

به گزارش همشهری، رسیدگی به پرونده متهمان جای دیش که از سوم آذرماه در شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی ویژه رسیدگی به جرائم اخلاخاگران کلان و عمده در نظام اقتصادی آغاز شده دیروز در ۲ نوبت صبح و عصر ادامه یافت و ۳ نفر از متهمان به دفاع از خود پرداختند. در ابتدای پنجمین جلسه به دستور قاضی بسندیده، متهم ردیف اول در جایگاه ایستاد تا به سؤالات قضایی پاسخ دهد. قاضی خطاب به متهم گفت: ادعا کرده‌اید بخشی از منابع ارزی بابت واردات ماشین آلات بوده است اما به گفته نماینده دادستان ماشین آلات ارزیابی شده مستعمل هستند.

قاضی همچنین خطاب به متهم گفت: در اسناد موجود از ثبت سفارش‌های انجام شده، اعلام کردید جای و راداتی از هند بوده و شرکت بسنده‌بندی کننده جای‌ها کنیایی بوده است، در صورتی که پس از بررسی‌های کارشناسی مشخص شده جای‌ها تولید کنیا هستند که قیمت جای هند و کنیا در هر کیلو چندین دلار تفاوت دارد. همچنین شرکت هندی اعلام کرده که در سال‌های اخیر به گروه دیش و شرکت‌های کنیایی جای نفروخته است. جلسه دادگاه در نوبت صبح به تحقیق از متهم دیو اول گذشت و در آغاز نوبت عصر وکیل مدافع به دفاع از موکلش پرداخت و گفت: اگر به موکل فرصت داده شود می تواند کالاهای ثبت سفارش شده را وارد کند. در مقابل قاضی نیز اعلام کرد: اگر از زمان ختم رسیدگی به پرونده، رد مال به بانک‌ها انجام شود قطعا در حکم دادگاه تأثیر خواهد داشت و اولویت ما حقوق بیت‌المال است. در ادامه این جلسه ۲ متهم دیگر یک به یک در جایگاه ایستادند و به دفاع از خود پرداختند و در نهایت پنجمین رسیدگی به پرونده جای دیش نیز به پایان رسید و قرار است رسیدگی به این پرونده در روزهای آتی ادامه پیدا کند.

شرط بندی مرگبار در فوتبال دستی



همه چیز از شرط بندی ۲۰ پسر جوان در بازی فوتبال دستی شروع شد. این شرط بندی، شروع ماجرای درگیری میان ۲۰ جوان بود که با جنایت پایان یافت. به گزارش همشهری، چند روز قبل گزارش قتل جوانی ۲۲ ساله در منطقه خواجه ربیع مشهد به قاضی ویژه قتل این شهر اعلام شد. به دستور بازپرس، تحقیقات آغاز و مشخص شد که مقتول در جریان یک درگیری با ۲ ضربه چاقو به قتل رسیده است. انطور که شاهدان می گفتند، درگیری به دلیل شرط بندی در بازی فوتبال دستی رخ داده بود. عامل جنایت پسری جوان به نام حمید بود که پس از جنایت فرار کرده بود. با این سرخ مأموران راهی خانه حمید شدند، اما او وسایلش را جمع کرده و ناپدید شده بود.

اتفاق عجیب

نام حمید در فهرست افراد تحت تعقیب قرار گرفت تا اینکه اتفاق عجیب افتاد. ماجرا از این قرار بود که یکی از اقوام دور مقتول در حال قدم زدن در یکی از خیابان‌های تهران بود که چشمش به پسری جوان افتاد. چهره او شباهت زیادی با حمید، قاتل فراری داشت. این مرد کاتال تلگرامی فامیلی‌شان را که عکس قاتل در آنجا منتشر شده بود، چک کرد و مطمئن شد که پسر جوان همان قاتل فراری است. فامیل دور به تعقیب قاتل پرداخت و مخفیگاه او را شناسایی کرد. سپس با پلیس تماس گرفت و همین کافی بود تا فرار قاتل فراری پایان یابد.

اشتباه بزرگ

متهم به قتل در بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد و گفت: روز حادثه مشروبات الکلی مصرف کرده بودم و حال خوبی نداشتم. آن روز به باشگاه ورزشی رفتم و در آنجا مقتول را دیدم. تصمیم گرفتم با هم فوتبال دستی بازی کنیم. من و او شرط بندی کردیم و بازی شروع شد. برنده بازی و شش شرط بندی من بودم، اما مقتول زیر بار نمی رفت. با هم از باشگاه خارج شدیم، اما مقتول نمی خواست بپذیرد که باخت است. درگیری که میان ما بالا گرفت، خیلی عصبانی شدم و نتوانستم خشم خود را کنترل کنم. با چاقویی که همراهم بود، بی اختیار چند ضربه به او زدم، اما فکر نمی کردم او بمیرد. وی ادامه داد: از ترسم به تهران فرار کردم و با هویت جعلی در یک ساختمان در حال ساخت مشغول به کار گری شدم، اما شبی که برای خرید به سوپرمارکتی در محل رفتم، یادم رفت، با هم از فامیل مقتول که به صورت اتفاقی از آنجا عبور می کرد مرا دید و رفت، اما خیلی پشیمانم و می دانم که مرتکب اشتباه بزرگی شده‌ام. پرونده این متهم با صدور قرار عدم صلاحیت به دادرسی جنایی مشهد فرستاده شد.



عملیات نجات الاغ سرگردان

پس و پیش نداشت. آنجا نه دسترسی به آب داشت و نه علف. این تپه سنگی طوری بود که الاغ نمی توانست بالا یا پایین برود. او ادامه می دهد. در ابتدا خیلی پسه او اعتنایی نکردیم. وقتی کارمان تمام شد، موقع برگشت باز هم آن الاغ را دیدیم که در ساحل ایستاده و به ما نگاه می کند. این بار نیز بدون هیچ فکری از کنارش رد شدیم. تا اینکه یکی از بچه‌ها گفت که این الاغ را چند روز پیش همانجا دیده است. با شنیدن این حرف همگی شوکه شدیم. الاغ بی‌نوا در آن منطقه گرفتار شده و به نظر می‌رسید صاحبش، او را گم کرده بود. با توجه به اینکه قرار بود از عصر همان روز بازنگری فصلی منطقه آغاز شود، مطمئن بودیم با بالا آمدن آب رودخانه، حتما سسلی الاغ را با خود می‌برد؛ بنابراین دور زردیم و تصمیم گرفتیم به الاغ گرفتار کمک کنیم.

گزارش

فتانه احدی روزنامه‌نگار

اوایل آذرماه بود که یک فیلم عجیب در شبکه‌های اجتماعی دست به دست شد. در این فیلم الاغی نشان داده می‌شد که در ساحل بی آب و علف رودخانه در منطقه چالکندی شهرستان دزفول گرفتار شده و راه پس و پیش نداشت. در این میان اما یک گروه از جوانان که متوجه گرفتار شدن الاغ شده بودند، با قایق به سمت او رفتند و موفق شدند در جریان عملیاتی عجیب او را نجات و از رودخانه عبور دهند. اما این اتفاق چطور رخ داد و کسانی که برای نجات الاغ سرگردان رفتند، چه کسانی بودند؟ به گزارش همشهری، محمد مرتضوی ۲۴ساله، بار کورکار، غواص و چترپاز است. او یکی از همان در زیرزمین خانه زندانی کرد. آن مرد شیطان صفت هر روز مرا آزار می داد و همیشه از طریق دوربین مداربسته من را زیر نظر داشت. دختر گمشده که حالا ۹ساله بود، ادامه داد: او طوری مرا فریب داده و ترسانده بود که فکر می‌کردم باید همیشه در کنار او زندگی کنم. چند باری هم خانه‌ای را که در آن حبس بودم تغییر داد. بعد از گذشت سال‌ها، متوجه شدم من اسیر یک آدم‌بری متجاوز ششدهم و همیشه به دنبال راه فرار بودم. تا اینکه بعد از ۱۲سال، روزی که او در خانه نبود توانستم با ترفندی از آنجا فرار کنم و خودم را به اداره پلیس برسانم.

خود اعترافات هولناک دختر پرونده‌شده پلیس تحقیقات بود را برای شناسایی و دستگیری آدم‌برسا آغاز کرد، اما او همزمان با فرار گروگان‌ش گریخته بود. تحقیقات برای دستگیری کارلوس ادامه داشت تا اینکه پنجشنبه گذشته، این مرد توسط پلیس ملی در مدلین دستگیر شد. در تحقیقات پلیس مشخص شد که وی در زمینه تهیه تصاویر پورنوگرافی از افراد زیر ۱۸سال فعالیت‌های زیادی داشته است. او اکنون در بازداشت به سر می‌برد و به‌زودی محاکمه خواهد شد.

جوان کینه‌جو یا خرید اسلحه، نقشه قتل رقیب عشقی‌اش را کشید و برای اجرای این سناریو، خودروی را با تهدید سلاح به سرقت برد اما پلیس، دقایقی قبل از جنایت مسلمانانه، او را دستگیر کرد و نقشه‌اش نافرجام باقی ماند. به گزارش همشهری، چند روز قبل مردی جوان هراسان خود را به کاتکسی پلیس در حوالی یافت‌آباد رساند و گفت ما شیش به سرقت رفته‌است. او گفت که مسافرکش است و شخصی که به‌عنوان مسافر سوار ماشینش شده، با تهدید اسلحه پراپیدش را سرقت کرده است.

طرح مهار با این شکایت، شماره پلاک خودروی سرقتی به همه واحدهای کششی اعلام شد و مأموران اداره یکم پلیس آگاهی پایتخت طرح مهار را اجرا کردند و با گشت‌زنی در خیابان‌های منتهی به محل سرقت، در کمتر از یک‌ساعت جوان کینه‌جو با خرید اسلحه، نقشه قتل رقیب عشقی‌اش را کشید و برای اجرای این سناریو، خودروی را با تهدید سلاح به سرقت برد اما پلیس، دقایقی قبل از جنایت مسلمانانه، او را دستگیر کرد و نقشه‌اش نافرجام باقی ماند.

به گزارش همشهری، چند روز قبل مردی جوان هراسان خود را به کاتکسی پلیس در حوالی یافت‌آباد رساند و گفت ما شیش به سرقت رفته‌است. او گفت که مسافرکش است و شخصی که به‌عنوان مسافر سوار ماشینش شده، با تهدید اسلحه پراپیدش را سرقت کرده است.

با این شکایت، شماره پلاک خودروی سرقتی به همه واحدهای کششی اعلام شد و مأموران اداره یکم پلیس آگاهی پایتخت طرح مهار را اجرا کردند و با گشت‌زنی در خیابان‌های منتهی به محل سرقت، در کمتر از یک‌ساعت جوان کینه‌جو با خرید اسلحه، نقشه قتل رقیب عشقی‌اش را کشید و برای اجرای این سناریو، خودروی را با تهدید سلاح به سرقت برد اما پلیس، دقایقی قبل از جنایت مسلمانانه، او را دستگیر کرد و نقشه‌اش نافرجام باقی ماند.

به گزارش همشهری، چند روز قبل مردی جوان هراسان خود را به کاتکسی پلیس در حوالی یافت‌آباد رساند و گفت ما شیش به سرقت رفته‌است. او گفت که مسافرکش است و شخصی که به‌عنوان مسافر سوار ماشینش شده، با تهدید اسلحه پراپیدش را سرقت کرده است.

عملیات سخت

اولین بار که محمد و دوستانش سراغ الاغ رفتند و می‌خواستند او را به قایق منتقل کنند، موفق نشدند؛ بنابراین این به ساحل برگشتند و با خود نیروی کمکی آوردند. او ادامه می‌دهد: نکته مهم در این ماجرا این بود که چون به فصلی رسیده بودیم که دیگر کسی با قایق به رودخانه نمی‌رفت و ما تنها قایقی بودیم که در چند روز اخیر در آنجا تردد داشتیم، اگر پس و پیش نداشت. آنجا نه دسترسی به آب داشت و نه علف. این تپه سنگی طوری بود که الاغ نمی توانست بالا یا پایین برود. او ادامه می دهد. در ابتدا خیلی پسه او اعتنایی نکردیم. وقتی کارمان تمام شد، موقع برگشت باز هم آن الاغ را دیدیم که در ساحل ایستاده و به ما نگاه می کند. این بار نیز بدون هیچ فکری از کنارش رد شدیم. تا اینکه یکی از بچه‌ها گفت که این الاغ را چند روز پیش همانجا دیده است. با شنیدن این حرف همگی شوکه شدیم. الاغ بی‌نوا در آن منطقه گرفتار شده و به نظر می‌رسید صاحبش، او را گم کرده بود. با توجه به اینکه قرار بود از عصر همان روز بازنگری فصلی منطقه آغاز شود، مطمئن بودیم با بالا آمدن آب رودخانه، حتما سسلی الاغ را با خود می‌برد؛ بنابراین دور زردیم و تصمیم گرفتیم به الاغ گرفتار کمک کنیم.

پلیسی نقشه قاتل مسلح را ناکام گذاشت

مکت

قتل‌هایی که عملی نشد

دستگیری مردی جوان در مشهد پیش از قتل شریکش. یکی دیگر از پرونده‌هایی است که پلیس موفق شده نقشه قتل را پیش از اجرا خنثی کند. این پرونده به اواخر اسفند سال ۱۴۰۱در شهر مشهد بر می‌گردد. متهم جوانی ۳۰ساله بود که با شریک کاری‌اش دچار اختلاف مالی ۵۰میلیون تومانی شده و در نهایت نقشه قتل او را کشیده بود. او به روستایی در اطراف مشهد رفته و در یک خانه‌باغ، گودالی حفر کرده بود و می‌خواست شریکش را به آنجا ببرد و پس از قتل، در همان گودال دفنش کند اما روز حادثه، پلیس خیلی اتفاقی به خودروی او مشکوک شد و آن را متوقف کرد. با کشف لیل، کلنگ و گاز اشک‌آور در خودروی این مرد، پلیس که تصور می‌کرد او در جست‌وجوی گنج است، وی را بازداشت کرد اما مرد جوان پرده از نقشه جنایت برداشت و به این ترتیب نقشه او ناکام ماند.

انتقام از استاد زبان

یکی دیگر از پرونده‌هایی که قرار بود تبدیل به پرونده جنایت شود اما با اقدام بموقع پلیس، نقشه متهم ناکام ماند، مربوط به جوانی است که قصد کشتن استاد زبانش را داشت. این مرد جوان بعد از دستگیری گفت: برای یادگیری زبان به خانه مردی به نام کامران می‌رفتم اما در یکی از همین رفت‌وآمدها اتفاق تلخی رخ داد. کامران با آرمیه مسموم مرا پشوش کرد و وقتی به هوش آمدم متوجه شدم او مرا مورد آزار و اذیت قرار داده است. او حتی ۵میلیون تومان به من پول داد تا شکایت نکنم اما از همان زمان تصمیم گرفتم از او انتقام بگیرم. وی ادامه داد: می‌خواستم او را به قتل برسانم. برای اجرای این سناریو هم به محل کارش رفتم اما آن روز سر و کله کارکنان دیگر پیدا شد و نتوانستم آنجا را داشته‌ام. وی ادامه داد: نقشه بعدی من این بود که او را با ماشینش یکی از دوستانم زیر بگیرم اما در بین راه پلیس به دلیل مخدوش کردن پلاک ماشین دستگیرم کرد و نشد که نقشه جنایت را اجرا کنم.

دادسرا

جوان کینه‌جو با خرید اسلحه، نقشه قتل رقیب عشقی‌اش را کشید و برای اجرای این سناریو، خودروی را با تهدید سلاح به سرقت برد اما پلیس، دقایقی قبل از جنایت مسلمانانه، او را دستگیر کرد و نقشه‌اش نافرجام باقی ماند.

به گزارش همشهری، چند روز قبل مردی جوان هراسان خود را به کاتکسی پلیس در حوالی یافت‌آباد رساند و گفت ما شیش به سرقت رفته‌است. او گفت که مسافرکش است و شخصی که به‌عنوان مسافر سوار ماشینش شده، با تهدید اسلحه پراپیدش را سرقت کرده است.

طرح مهار

با این شکایت، شماره پلاک خودروی سرقتی به همه واحدهای کششی اعلام شد و مأموران اداره یکم پلیس آگاهی پایتخت طرح مهار را اجرا کردند و با گشت‌زنی در خیابان‌های منتهی به محل سرقت، در کمتر از یک‌ساعت جوان کینه‌جو با خرید اسلحه، نقشه قتل رقیب عشقی‌اش را کشید و برای اجرای این سناریو، خودروی را با تهدید سلاح به سرقت برد اما پلیس، دقایقی قبل از جنایت مسلمانانه، او را دستگیر کرد و نقشه‌اش نافرجام باقی ماند.

به گزارش همشهری، چند روز قبل مردی جوان هراسان خود را به کاتکسی پلیس در حوالی یافت‌آباد رساند و گفت ما شیش به سرقت رفته‌است. او گفت که مسافرکش است و شخصی که به‌عنوان مسافر سوار ماشینش شده، با تهدید اسلحه پراپیدش را سرقت کرده است.

انکار عجیب در پرونده جنایت بر سر ارثیه پدری

بررسی دوربین‌ها نشان می‌داد که قاتل پس از جنایت فرار کرده است. او تحت تعقیب قرار گرفت تا اینکه دیروز حوالی میدان آزادی به دام پلیس افتاد. مظلون اصلی این جنایت که اعتماد شدیدی به مواد مخدر دارد و همه شواهد و مدارک علیه اوست، بعد از دستگیری خودش را بی‌گناه می‌دانست و منکر قتل شد. او گفت: من اعتیاد شدیدی به مواد مخدر دارم. به همین دلیل همسر و فرزندم مرا ترک کردند و رفتند. من به تنهایی در خانه پدری‌ام زندگی می‌کردم و انطور که متوجه شدم بقیه وراثت، قصد فروش آنجا را داشتند. وی ادامه داد: من نظر خاصی نداشتم. روز حادثه هم وقتی خواهرم به همراه کارشناس دادگستری قدم در خانه پدری‌ام گذاشت، از آنجا رفتم. دقایقی بعد برای انجام کاری با خواهرزاده‌ام در مقابل خانه برگشتم اما متوجه جنایت نشدم. من و خواهرزاده‌ام بی‌گناه هستیم و نمی‌دانیم چه کسی خواهرم را کشته و با قندشکن کارشناس دادگستری و مستاجر را هم به کما فرستاده است.

این متهم برای انجام تحقیقات بیشتر در اختیار مأموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران قرار گرفت و تحقیقات برای دستگیری خواهرزاده وی ادامه دارد. از سوی دیگر کارشناس دادگستری و مرد مستاجر به دلیل ضربات شدیدی که با قندشکن به سرشان وارد شده در کما هستند.

مردی جوان که بر سر مخالفت با فروش خانه پدری‌اش، خواهرش را به قتل رسانده و آنگر دیگر از جمله کارشناس دادگستری را تا پرتگاه مرگ برده بود، دستگیر شد. به گزارش همشهری، شامگاه ۱۳۸مردی سرسیمه نزد مأموران پلیس رفت و مدعی شد که در خانه پدری‌اش اتفاق شومی رخ داده است. او گفت: پس از فوت پدرم، خانه‌اش به من و خواهر و برادرم به ارث رسید. من و خواهرم می‌خواستیم خانه را بفروشیم اما برادرم به نام محسن مخالف بود. امروز خواهرم به همراه کارشناس دادگستری راهی خانه شد اما حالا او خبری نیست و حدس می‌زنم بالای سرش آمده است. با اظهارات این مرد، مأموران راهی خانه قدیمی شدند و با دستور قاضی، حسین گودرزی، بازپرس جنایی تهران و کمک آتش‌نشانان قفل در را شکستند. آنها پس از ورود به خانه با جسد غرق در خون زنی جوان(خواهر شاک) و بیگر نیمه‌جان یک زن(کارشناس دادگستری) و یک مرد(مستاجر خانه) روبه‌رو شدند. بررسی‌های اولیه حکایت از این داشت که زن جوان(مقتول) توسط برادرش به قتل رسیده است. این زن که به همراه کارشناس دادگستری به خانه پدری خود رفته بود، ظاهراً از سوی برادرش، محسن، که مخالف فروش خانه بود و اعتیاد نیز داشت هدف حمله مرگبار قرار گرفته بود. او با ضربات قندشکن به قتل رسیده بود و بررسی‌ها نشان می‌داد که محسن پس از قتل خواهرش با قندشکن، به سمت کارشناس زن و مرد مستاجر هجوم برده و به آنها در حد مرگ ضربه زده که هر دو از هوش رفته بودند.